

نگاهی به عوارض بحران مالی در ارتش‌های جهان

تهدیدی برای دفاع

هزینه‌های تسلیحاتی و دفاعی کشورهای بزرگ جهان، دستخوش بازی بحران مالی جهان شده است.



بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت که بحران مالی آمریکا به چالشی برای بودجه روزافزون پنتاگون تبدیل شده است. بحران مالی نه تنها پنتاگون را به کاهش هزینه‌ها واداشته، بلکه رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا را بر آن داشته تا از کنگره آمریکا بخواهد برخی برنامه‌های پُر هزینه پنتاگون را حذف نماید. انتظار می‌رود در بین برنامه‌های مورد نظر گیتس، بودجه بسیاری از برنامه‌های تسلیحاتی بزرگ از جمله هزینه ۱۴۰ میلیارد دلاری ساخت جنگنده‌های رادار گریز F-22 - که هزینه ساخت هر کدام آنها ۱۵۰ میلیون دلار است - ساخت بالگرد ریاست جمهوری و سامانه‌های رزمی آینده ارتش که شبکه‌ای از وسایل نقلیه مجهز به فن آوری بسیار پیشرفته مخابراتی است و به علت مشکلات فنی، استفاده از آن با تأخیر همراه بوده و یکی از پُر هزینه‌ترین برنامه‌های نظامی پنتاگون به شمار می‌رود وجود داشته باشد. گیتس همچنین در نظر دارد بودجه برنامه ۲۰ میلیارد دلاری جدید ماهواره‌های جاسوسی و مخابراتی را کاهش دهد و تعداد ناوهای هواپیمابر را از ۱۱ به ۱۰ فروند تقلیل دهد. به گفته منابع دولتی و صنایع نظامی آمریکا، وی همچنین قصد دارد بخش‌هایی از اقدامات دفاع موشکی قدیمی را که پُر هزینه و ناکارآمد هستند، حذف کند. هرچند هنوز درباره جزئیات این تغییرات به طور کلی تصمیمی گرفته نشده است، ولی بنابر اظهارات گیتس در یک نشست مطبوعاتی، تغییرات به وجود آمده با مشورت همه فرماندهان نظامی و رییس جمهور آمریکا انجام گرفته است. در همین خصوص، جف مورل، سخنگوی گیتس، گفته است: وی سرگرم تعریف مجدد بودجه پنتاگون از نظر راهب-ردی است. در بازنگری جدید بودجه، حذف برنامه‌های پُر هزینه و به تأخیر افتاده مدنظر است و در پایان این تلاش‌ها، انتظار می‌رود بودجه‌ای تعیین شود که منعکس‌کننده اولویت‌های راهبردی رییس جمهور باشد. البته باید گفت که تلاش پنتاگون برای کاهش هزینه‌های دفاعی آمریکا باعث شده تا شرکت‌های اسلحه‌سازی عمده، نظیر لاکهید مارتین، بوئینگ و جنرال دینامیکس، کنگره را تحت فشار بگذارند تا قراردادهای آنها را حفظ کند.

ابرقدرت آینده در دام بحران

طی دهه‌های اخیر، رهبران چین با تزریق درآمدهای مازاد ناشی از رشد اقتصادی خود به سیستم

۲۰۰۷ به ۹/۸ درصد در سال ۲۰۰۸ میلادی کاهش یافته است. این در حالی است که تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که رشد GDP این کشور در سال ۲۰۰۹ میلادی به سبب کاهش صادرات این کشور، ممکن است به ۸/۴ درصد کاهش یابد. اما یکی از موضوعاتی که ذهن کارشناسان را به خود مشغول کرده این است که با کاهش رشد GDP چین، آیا این کشور می‌تواند - آن هم در حالی که این کشور باید هزینه‌های بسیاری را برای موضوعات و مسایل داخلی، نظیر تأسیسات زیر بنایی، بهداشت عمومی، آموزش، آلودگی‌های زیست محیطی، مبارزه با فقر و بسیاری از مسایل هزینه بر دیگر اختصاص دهد - مطابق سال‌های گذشته به افزایش بودجه نظامی خود ادامه دهد؟

هر چند برخی کارشناسان به احتمال کاهش بودجه نظامی چین به واسطه بحران مالی جهانی اذعان دارند، ولی عده‌ای دیگر از کارشناسان به این موضوع اشاره می‌کنند که چین قادر است بودجه نظامی خود را حفظ یا حتی افزایش بدهد. در همین خصوص، مرکز تضارب افکار RAND در گزارشی که در همین خصوص منتشر کرده به این موضوع اشاره کرده است که بودجه نظامی چین در صورت سقوط رشد اقتصادی سالانه این کشور به ۵ درصد تا فرارسیدن سال ۲۰۲۵ به بیش از ۱۸۵ میلیارد دلار خواهد رسید. اما علی‌رغم چنین گزارشی، اکثر کارشناسان بر این باورند که دولت چین به سبب چالش‌هایی که در برابر خود می‌بیند، ممکن است به این نتیجه برسد که پول بیشتری را صرف جامعه و مسایل زیر بنایی نموده و به همین علت ممکن است از افزایش بودجه نظامی باز بماند. این در حالی است که بحران اقتصادی از زاویه دیگری نیز می‌تواند مانع از رشد و مدرن‌سازی ارتش چین شود. از آنجایی که حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی چین یکی از مهمترین عوامل طی سال‌های گذشته در رشد و توسعه ارتش این کشور بوده است، در صورت بروز ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی به واسطه بحران اقتصادی، بخش اعظمی از توجه و منابع ارتش چین به این مسأله اختصاص خواهد یافت که در این صورت، ارتش این کشور از برنامه‌های مدرن‌سازی خود باز می‌ماند. تأثیر تداوم بحران اقتصادی بر برنامه‌های بلندمدت ارتش چین از آن جهت حایز اهمیت است که بنابر اظهارات تحلیل‌گران در صورت کاهش رشد GDP چین به کمتر از ۸ درصد، دولت این کشور قادر نخواهد بود که مشاغل لازم را برای جذب ۲۰ میلیون نفری که سالانه به بازار کار این کشور اضافه می‌شوند تأمین نماید که همین ناتوانی منجر به افزایش ناآرامی‌های اجتماعی در این کشور خواهد گردید.

در همین حال گروهی دیگر از کارشناسان بر این باورند که بحران مالی جهانی حتی می‌تواند سبب خدشه‌دار شدن روابط ارتش با حزب کمونیست چین شود. بنابر اظهارات تحلیل‌گران، هرچند در حال حاضر حزب حاکم چین از ارتش در اهداف مدرن‌سازی خود حمایت می‌کند و منابع مالی لازم را

ارتش آزادی بخش خلق چین و همچنین دستیابی به دانش فنی پیشرفته برای ساخت جنگ افزارهای جدید، ارتش این کشور را تا آستانه تبدیل شدن به رقیبی سرسخت برای ارتش ایالات متحد آمریکا پیش برده‌اند. اما از زمان آغاز و تشدید بحران مالی جهانی، ارتش آزادی بخش خلق چین نیز از این عوارض بی‌نصیب نمانده است. هرچند تاکنون گمانه‌زنی‌های بسیاری در خصوص تأثیر بحران مالی جهانی بر چین انجام شده است، ولی این گمانه‌زنی‌ها بیشتر درباره مسایل مختلفی نظیر ثبات داخلی، توان حزب کمونیست برای ادامه حکومت و این که چین چه کمکی می‌تواند به رفع بحران مالی جهانی انجام دهد بوده‌اند. با این وجود، توجه کمی به تأثیرات بحران مالی جهانی بر دفاع ملی چین یا تأثیرات بالقوه این بحران بر توان ارتش آزادی بخش خلق چین، برای تداوم اهداف جاه طلبانه و پُر هزینه خود به منظور مدرن‌سازی اختصاص یافته است.

از آنجایی که موفقیت ارتش چین در مأموریت‌های آینده خود به توان آن در آموزش، تجهیز، مدرن‌سازی و همچنین بسیج امکانات در شرایط جنگی و اضطراری بستگی دارد - که همگی این موارد به بودجه نیاز دارد - بحران اقتصادی از توان بالقوه‌ای برای تحت تأثیر قراردادن ارتش چین در سه حوزه بودجه نظامی، ناآرامی‌های داخلی و روابط ارتش با غیرنظامیان برخوردار است. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که بر اساس آمار، رشد GDP (محصول ناخالص ملی) چین از ۱۱/۹ درصد در سال

ایستگاه پایانی بحران

احتمال بهبود در اوضاع بحران جهان

به گفته بن برنانکی، رییس فدرال رزرو آمریکا، بعید است که رکود اقتصادی این کشور بیش از یک سال به طول انجامد. از نظر وی، بزرگترین خطر موجود این است که برای تثبیت نظام مالی بحران زده، اراده سیاسی لازم وجود نداشته باشد. به اعتقاد وی با این که بازگشت به اشتغال کامل غیرممکن به نظر می‌رسد، اما این امید وجود دارد که رکود اقتصادی شدیدی که در شش ماه گذشته به اوج خود رسیده، به پایان برسد. برنانکی در ماه ژانویه خطاب به کنگره آمریکا عنوان کرده بود، پیش‌بینی فدرال رزرو این است که بحرانی که در دسامبر ۲۰۰۷ آغاز گردید تا آخر امسال به پایان برسد و سال ۲۰۱۰ سال رونق و بهبود اوضاع اقتصادی جهان باشد.

در حال حاضر با سقوط بازارهای سهام و افزایش بیکاری و با وجود اقداماتی که مقامات آمریکا برای سرپا نگه داشتن مؤسساتی همانند شرکت بیمه AIG انجام داده‌اند، تلاش‌های دولت برای مبارزه با بحران، مورد انتقاد قرار گرفته است. گفتنی است علیرغم تزریق نقدینگی ۷۰۰ میلیارد دلاری دولت به نظام بانکی که در اکتبر ۲۰۰۸ از سوی کنگره آمریکا به تصویب رسیده بود، نظام مالی آمریکا همچنان ضعیف و شکننده است.

در حال حاضر بزرگترین نگرانی رییس فدرال رزرو این است که قانون‌گذاران و عموم مردم، حمایت خود را از تلاش‌هایی که به هدف ایجاد ثبات در نظام بانکی آشفته آمریکا صورت می‌گیرد قطع کنند. این در حالی است که آمار و اطلاعات اقتصادی منتشر شده به تشدید رکود اقتصادی اشاره دارند. در ماه فوریه، نرخ بیکاری در آمریکا به بالاترین میزان در ۲۵ سال گذشته رسید و کارفرمایان ۶۵۱ هزار شغل را تعدیل کردند. همچنین فروش مسکن و خودرو در ماه‌های اخیر کاهش یافته و تولیدات صنعتی با رکود مواجه شده است. در این شرایط، مردم آمریکا از این که مؤسساتی همانند AIG ده‌ها میلیارد دلار کمک دولتی دریافت کرده‌اند، به شدت اظهار نارضایتی می‌کنند.



صنایع دفاعی به خاطر تورم، هزینه‌های بالایی در زمینه حمل و نقل و تجهیزات جانبی می‌پردازند. این در حالی است که لزوم کاهش اعتبارات بودجه‌ای، رشد شدید بازار جهانی صادرات و واردات تسلیحاتی را که طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ از ۲۲ میلیارد دلار به ۵۵/۱ میلیارد دلار رسیده بود (از جمله روسیه از ۳/۷ میلیارد دلار به ۷/۵ میلیارد دلار) متوقف خواهد کرد و بسیاری از کشورها مجبورند که خرید هواپیماها، کشتی‌های نظامی، تانک‌ها و دیگر نمونه‌های تسلیحاتی را کاهش دهند.

تأثیر بحران مالی بر جنگ علیه تروریسم

هر چند پس از حمله تروریستی سپتامبر، برنامه مبارزه با تروریسم با بودجه زیادی حمایت شده است، اما بحران مالی جهانی شرایطی را به وجود آورده است که ممکن است تأمین مالی ادامه جنگ علیه تروریسم را نیز با مشکلاتی مواجه سازد. با این حال تحلیل‌گران نظامی بعید می‌دانند که بودجه مالی عملیات نظامی در عراق و افغانستان به واسطه نقشی که این جنگ‌ها در نبرد علیه تروریسم دارند کاهش یابد. در همین خصوص، سرهنگ «ناتان فریر» از مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن می‌گوید: «بحران مالی جهانی سبب کاهش هزینه‌های پیگیری نبرد علیه تروریسم به واسطه دستیابی به اهداف اقتصادی کوتاه‌مدت نخواهد گردید، ولی عوارض این بحران منجر به کاهش هزینه‌های نظامی در مواردی نظیر خرید، تحقیقات، توسعه و مدرن‌سازی خواهد شد.»

چنین اظهاراتی در شرایطی صورت می‌گیرد که سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا هشدار داده‌اند که در صورت ادامه بحران مالی احتمال دارد کشورهای طرفدار غرب تضعیف شده و آمریکا در پاسخ به حملات احتمالی تروریست‌ها، ناکام بماند. این گزارش‌ها با اشاره به این که بحران مالی خطر حملات تروریستی را در کوتاه‌مدت افزایش می‌دهد اعلام کرده‌اند که احتمال دارد بحران مالی موجود، باعث تضعیف سازمان‌های طرفدار غرب در پاکستان و خاورمیانه شود. علاوه بر این ممکن است توجه کشورها به سوی چین که نفوذ زیادی در مؤسسات مالی جهان دارد جلب شود و نفوذ این کشور در سایر کشورها بیشتر شود.

در همین خصوص مایک مک کانل مدیر اداره اطلاعات ملی آمریکا می‌گوید: «احتمال دارد کاهش زیاد بودجه دفاعی و جاسوسی باعث کاهش توان آمریکا برای رویارویی با تروریسم شود و حملات تروریستی جدیدی علیه این کشور از سر گرفته شود.» لازم به ذکر است که مجموع هزینه سالانه آمریکا برای بودجه عملیات‌های جاسوسی حدود ۴۷ میلیارد دلار است که این بودجه، علاوه بر هزینه ماهواره‌های جاسوسی‌گران قیمتی است که در جدول بودجه پنتاگون قرار دارد. ■

در اختیار آن قرار می‌دهد، اما بحران اقتصادی و وضعیت داخلی چین از این توان بالقوه برخوردارند که این رابطه را تحت تأثیر قرار دهند. این در حالی است که تغییر در شرایط امنیتی خارجی نیز می‌تواند منجر به کاهش حمایت دولت از ارتش شود. برای مثال با انتخاب «ما ئینگ جیو» در تایوان که منجر به کاهش اختلافات چین و تایوان شده، عده‌ای از رهبران چین این گونه استدلال می‌کنند که دیگر نیاز فوری برای حمایت از ارتش برای تهیه تجهیزات مدرن وجود ندارد و زمان آن رسیده که دولت از بودجه هزینه‌های سرسام‌آور ارتش کاسته و در عوض شروع به سرمایه‌گذاری در خدمات اجتماعی نماید.

ارتش سرخ: هم نافع هم متضرر

در سال گذشته میلادی، میدان سرخ در مسکو برای اولین بار بعد از فروپاشی شوروی، شاهد رژه نیروهای نظامی روسیه بود. این اقدام یک پیام روشن و واضح برای غرب و ناتو داشت و آن این بود که مسکو در فکر احیای قدرت از دست رفته خود است و رویای شیرین یکه تازی ناتو به پایان خود نزدیک می‌شود. هرچند ارتش روسیه با این رژه و پیروزی در جنگ پنج روزه با گرجستان در برابر غرب قدرت نمایی نمود، ولی این جنگ هم زمان نقاط ضعف ارتش روسیه را عیان ساخت، ضعف‌هایی از قبیل استفاده از تانک‌های روسی بدون دستگاه‌های دید در شب، بدون دوربین‌های عکاسی حرارتی و بدون سامانه‌های مدرن راه‌یاب. با آشکار شدن این نقاط ضعف، نخستین اقدام دولت روسیه افزایش ۲۷ درصدی بودجه نظامی این کشور بود که به ۵۰ میلیارد دلار رسید. این در حالی است که بنابر اظهارات یک مقام عالی رتبه در کاخ کرملین، روسیه قصد دارد تا سال ۲۰۱۱ تسلیحات و تجهیزات نظامی خود را به طور گسترده مدرنیزه کند. بنابر اظهارات مقامات روسی از سال آینده میلادی، نیروهای نظامی روسیه بیش از ۴۰۰ نوع سلاح جدید دریافت خواهند کرد و دولت روسیه به رهبری ولادیمیر پوتین، نخست وزیر این کشور، قصد دارد مبلغی بالغ بر ۴ هزار میلیارد روبل، برابر با ۱۰۱ میلیارد یورو در جهت خرید تجهیزات نظامی جدید هزینه کند. ولی در شرایطی که اقتصاد روسیه نیز از بحران مالی جهانی در امان نیست، هنوز مشخص نیست که منبع مالی تأمین هزینه کل این اصلاحات قرار است از کجا تهیه شود؟ این در حالی است که بسیاری از تولیدکنندگان تسلیحات روسیه با دشواری مواجه‌اند و مؤسسات با مشکل کُندی روند دریافت پول از بانک‌ها، کمبود منابع وامی و دیگر پیامدهای بحران روبه‌رو شده‌اند. حتی کارشناسان معتقدند که دولت در اتخاذ تدابیر مقابله با بحران، نسبت به تأمین مالی برای مجموعه‌های صنایع دفاعی تأخیر می‌کند و آنها احتمال می‌دهند که فعالیت برخی از مؤسسات ممکن است به توقف در تولید و نهایتاً به تعطیلی منجر شود. هم زمان کارخانجات